

زمانی که صدای ماشین ها خاموش می شود!

گزارش ارسالی برای جمعی از فعالین کارگری(جافک)

ابتدای سخن:

آنچه کارگران ایران را اسیر این وضع کرده، **نظام سرمایه داری حاکم** است. جمهوری اسلامی پرچمدار استبداد پوسیده **مذهبی** و پاسدار نظم **سرمایه داری** است. این **نظام** از روزی که بر سر کار آمده نشان داده که زبان خوش سرش نمی شود. روش و منش جمهوری اسلامی، سانسور و چماق و زندان و شکنجه و ترور، تجاوز و سنگسار و اعدام است..

جمهوری اسلامی ضد کارگران است، ضد آن کارگرانی است که وضع موجود را تحمل نمی کنند و بی هراس از احضار و تهدید و اخراج، و حتی زندان و شکنجه و مرگ، دست به **مقاومت** و **اعتراض** می زنند. به همین علت کارگران معترض را سرکوب می کند؛ کارگران مبارز و فعالان جنبش کارگری را گاه تک به تک و گاه دستجمعی بازداشت می کند؛ و وجود تشکل های مستقل کارگری را تحمل نمی کند. جمهوری اسلامی **ضد آن کارگرانی** است که می کوشند **علت** و ریشه های این وضع را **بهتر و عمیق تر** بشناسند؛ **تشنه آگاهی انقلابی**، **همبستگی طبقاتی و متحد و متشکل شدن علیه نظم موجودند**. کارگرانی که به جای ارجح دانستن منافع فردی و حتی منافع جمع محدود خود در یک کارخانه و کارگاه، به منافع عمومی و اساسی طبقه کارگر فکر می کنند و در زندگی و مبارزه خود، رسالت و اهداف بزرگتری را جستجو می کنند. (جافک)

...

اینبار گذرمان به یکی از محلات که مهد پرورش کارگران چاپخانه ها است افتاد، وقتی رسیدیم از سر و صدای ماشین آلات خبری نبود مثل اینکه زمان استراحت کارگران بود. در حین پیگیری کارهایمان، مدام سئوالاتی در ذهن جرقه می زد، این کارگران چگونه روزگار می گذارند؟ شرایط کاریشان چگونه است؟ دغدغه هایشان چیست؟ چقدر فرصت دارند به مسائل اجتماعی بپردازند؟ و....

بالاخره از این فرصت استفاده کرده و با چند تن از کارگران، که در ارتباط با کار ما بودند؛ کارگرانی که سعی می کنند دانش حرفه ای و اجتماعی خود را بالا ببرند. به گفتگو نشستیم.



از یکی کارگران با تجربه، که بنظر می آمد گرایشی سیاسی هم دارد سئوال می کنیم.

مرسی از اینکه دعوت ما را قبول کردید!

می دونی چرا قبول کردیم چون کسی مدتهاست که سراغ ما را نمی گیرد.

چون وقت کم داریم اجازه بدید چند تا سنوال را مطرح میکنیم اگه مشکلی نیست

نه خواهش میکنم چه مشکلی فعلاً تا کارتون انجام بشه فرصت خوبی است برای ما، اوضاع هم که مناسب است آنقدر درد دل داریم که این گفتگو به اندازه یک کتاب می شود.

پس ابتدا از خودتون برامون بگید.

: پنجاه سال و اندی پیش در جنوب شهر تهران بدنیا آمدم و 3 خواهر دارم و من فرزند اول خانواده بودم. بعد از فوت پدر مسئولیت اداره خانواده به عهده من بود پدرم کاسب سر محله بود و به همین علت وضع مالی خوبی نداشتیم و زمانیکه دوران سیکل اولم به پایان رساندم بالاچاره وارد بازار کار شدم در اون دوران دوستانم در کار صحافی بودند و دست تقدیر من را وارد این صنف کرد. اولین چاپخانه ای که در آن مشغول بکارشدم چاپخانه ای معروف در آن روزگار بود. از ساده ترین کار صحافی یعنی ترتیب اوراق شروع کردم و بعد از اینکار به ترتیب اقدام به جلد سازی و برش کاری کردم حدود 4 سال همانجا کار می کردم. تقریباً تا اوائل 1356 در بخش صحافی مشغول بودم تا اینکه به استخدام چاپخانه ای که زیر چتر دولت بود در آمدم. شدم مسئول بخش صحافی. ماهی 400 تومان حقوق می گرفتم چون مدرک سیکل داشتم یک امتیاز حساب می شد البته کار صحافی این دوران با قبل قابل قیاس نیست. چرا که امروز اکثر کارها با ماشین انجام می شود اما قبلاً تمام کارها با دست انجام میشد در بعضی از چاپخانه ها که مجهز تر بودند از ماشینهای فلکه ای که با چرخش دست انجام می شد استفاده می کردند. و البته اکثر کارگران آنقدر در کار خود مهارت داشتند که از لحاظ کیفیت در حد کارهای امروز با چنین تجهیزاتی باشند. بعد از انقلاب هم مدت زیادی بیکار بودم و در بازار آزاد به صورت مستقل فعالیت می کردم تا اینکه بعد از جنگ در چاپخانه ای مشغول بکار شدم. در حال حاضر هم در این چاپخانه دوران آخر کاریم را ملاحظه می کنید.



می گویند گذشته چراغ راه آینده است! شمانی که با تجربه تر هستید. با کارگران جوانی که امروز به چاپخانه می آیند. تجربه ی خودتان را چگونه منتقل می کنید؟ یا بهتر بگوئیم صحبت از آگاهی و تجربه است، این دو عنصر در چاپخانه های امروزی به چه صورت باید پیش برود؟

: ما می توانیم آینه هایی باشیم که جوانان، فردای خود را در آن می بینند. کارگران جوانی که امروز پا به چاپخانه می گذارند، در مقابل خود چه تصویری می بینند؟ آیا این تصویر ما موجب دلگرمی آنان می شود؟ آیا تصویر ما نشان میدهد که ما جوانی و توان جسمی و روحی مان را زیر سقف چاپخانه جا گذاشته ایم، یا تصویر ما اضطراب و حسرت را به او یاد آور می شود؟ در چهره ما، دوره کار و تلاش يك عمر خود را می بیند. یاکارگرانی که همیشه چشمشان به نوشته و حروف است. آنان سرنوشتی را باید جستجو کنند که ما با تمام تلاش خود نتوانستیم به پایان برسانیم سرنوشتی که لحظه لحظه بین کار و مبارزه می گذرد. این کارگران جوان باید بتواند آرزوهایشان را برآورده کنند. آرزوهائی که با تلاش و پیگیری و تجربه در دسترس و آگاهی طبقاتی میسر می شود.

- از یکی از کارگران سنوال می کنیم وارد اینجا که شدیم دو سه تا زن کارگر هم دیدیم -

شما در این جا چند نفر کارگرید؟

: 18 نفر هستیم 14 مرد و 4 زن

زنان کارگر اینجا چه شغلی دارند؟

: در قسمت دوخت و کار صحافی از زنان استفاده می کنند.

: امروزه زنان بیشتری در بخش های این صنعت فعالیت می کنند. در آن زمان از حمایت کارگران (بالاخص زنان) هیچ خبری نبود و امروزه هم با اینکه این صنعت پیشرفت داشته است باز هم ما کارگریم یعنی از امکانات اولیه یک زندگی امروزی بی بهره ایم.

شما اتحادیه هم دارید؟

: در یک کلام اتحادیه زرد.

فکر میکنی برای مبارزه کارگران احتیاج به تشکل مستقل دارند؟

: کارگران برای اینکه بتوانند دولت سرمایه دار و سرمایه داران را از تعرض اقتصادی به کارگران باز بدارند، نیاز به تشکل دارند. کارگران به تشکل و روشهای مبارزاتی نیاز دارند که جنبش کارگری را واقعا مستقل از رژیم و نهادهای به اصطلاح کارگری آن به پیش ببرند و بتوانند اتحاد و همبستگی صنفی خود را در میان کارگران سازمان داد.

در شرایط کنونی که دولت سرمایه دار مصمم است هر حرکت اعتراضی از سوی کارگران را سرکوب و متوقف کند، این همبستگی و اتحاد صنفی را چگونه میتوان سازمان داد؟

: ابتدا ما باید موضع خودمان را نسبت به یک چیز روشن کنیم و آن این است که تحت شرایط کنونی ایجاد تشکل مستقل کارگری در چارچوب قانون اساسی و قانون کار امکان ندارد.

چرا؟

: چرا؟ چون این رژیم حتی به قوانینی که خودش تصویب کرده احترام نمیگذارد چه رسد به تشکل مستقل.

اما کسانی در میان کارگران هستند که تبلیغ میکنند کارگران باید در چارچوب قانون به فعالیت و ایجاد تشکلات صنفی بپردازند.

: چه کسانی؟ کسانی که به کارگران این پیشنهاد بیشرمانه را می کنند، مگر تجربه 31 سال گذشته و تشکلات کارگری زرد که همدست دولت و کارفرما هستند جلوی چشمشان نیست؟ (در اینجا پیشنهاد می کنیم به مقاله طناب پوسیده سه جانبه گری از سری مقالات جافک رجوع شود. به آدرس انتشارات جافک <http://e-jafk.blogspot.com>)

: آیا اینان نمیدانند که گردانندگان "خانه کارگر" و ... غیره عوامل رژیم هستند؟ همین چند روز پیش شما جریان اختلاس را شنیده اید یکی از اینها همان جهرمی ضد کارگر "خانه کارگر" بود مگر غیر از این است؟ در یک کلام آنهایی که این نظریه های ارتجاعی را در میان کارگران تبلیغ میکنند در واقع میخواهند کارگران را گول بزنند و مانع از آن شوند که کارگران با سلاح تشکل و سیاست مستقل خودشان وارد مبارزه شوند.

در کشوری مانند ما که کوچکترین اعتراضات با سرکوب سخت رژیم مواجه میشود، به نظر شما چگونه می توان تشکل مستقل کارگری را شکل داد؟

: ببینید همان طور که خودتان ما بین سئوال تان عنوان شد تشکل مستقل کارگری با حملات سخت نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه می شود و در همان گام نخست دچار مشکل می شود. (نمونه برجسته آن در اول ماه مه سنندج دیدیم)، بعدها شاهد فشار، سرکوب، زندانی کردن، ترور فعالین کارگری شناخته شده، برای کمیته های موجود فعالین کارگری بودیم و هستیم. پس این شرایط ایجاب میکند که کارگرانی که در ایجاد اتحاد و تشکل میان کارگران پیشقدم میشوند فعالیتهای خود را به دور از چشم ماموران

حکومتی پیش ببرند. این درست است که **حرکتهای اعتراضی گسترده کارگران** نمیتواند مخفی باشد(به مانند کارگران پتروشیمی)، اما **کمیته های اعتصاب** در کارخانجات و فعالیت کسانی که میان فعالین کارگری رشته های مختلف و شهرهای مختلف پیوندبرقرار میکنند باید به دور از **چشم نظام ارتجاعی** پیش رود. این امر برای تداوم حرکات مبارزاتی کارگران بسیار ضروری است

با نظر به این مسئله و تجربه شما تشکلات صنفی مستقل و علنی در چه شرایطی امکان پذیر است؟

با نگاهی به تجربه سالهای پیش، ایجاد تشکلات صنفی مستقل علنی زمانی **امکان پذیر** شد که دستگاههای امنیتی و سرکوبگر رژیم پهلوی در نتیجه مبارزات گوناگون مردم به اندازه **کافی تضعیف** شدند. این مساله در مورد نظام منفور اسلامی نیز می تواند صادق باشد. در کشورهایی مانند ما که هیئت حاکمه ارتجاعی تنها با تکیه به سرنیزه میتواند خود را در قدرت نگاه دارد، فقط زمانی به آزادی تشکل و بیان و اجتماعات مردم گردن می گذارد که در نتیجه مبارزات مردم ضربه خورده و تضعیف شده باشند. و تا زمانی آزادی تشکل و بیان و اجتماعات مردم را تحمل میکنند که بتوانند خود را جمع و جور و مستحکم کنند. این را نیز در سالهای گذشته تجربه کردیم.

پس به نظر شما تحت شرایط کنونی مبارزات کارگری را چگونه می شود تداوم بخشید؟

تحت شرایط کنونی فعالین کارگری تنها با فعالیت **مخفیانه** میتوانند حرکات مبارزاتی کنونی را تداوم بیشتری بخشند و حرکات پراکنده کارگری را بهم وصل کرده و نسبتاً سراسری کنند. **شک** نیست که برای تقویت این فعالیت باید بطور حساب شده و آگاهانه از هرگونه امکان و روزه فعالیت **قانونی و علنی** نیز سود جویند. هسته های مخفی فعالین کارگری میتوانند بطور حساب شده و با اتکا به لایه های مختلف از فعالین جنبش صنفی کارگران از هر گونه امکان نیمه علنی و علنی مانند، تشکیل کمیته های موقت، مجمع عمومی و غیره برای پیشبرد مبارزات توده ای کارگران، استفاده کنند.

هستند بسیاری که قیافه حق بجانب به پشتیبانی از کارگران می گیرند. اما می گویند در مبارزه اقتصادی نباید سیاست را دخالت داد آیا شما با چنین مواعظه ای موافقید؟

این یک دروغ بزرگ است. یک عوام فریبی ارتجاعی است چگونه ممکن است؟ زمانی که کوچکترین حرکت اعتراضی کارگران با سرکوب حاکمیت ارتجاعی سرمایه داری مواجه میشود. و بالاخص در این چند ساله اخیر دیدیم که این رژیم هر تجمع ساده توده های مردم (مثلاً آب پاشی جوانان دختر و پسر در پارکها)، تجمع کارگران، دانشجویان (همین مسئله اخیر در رابطه آمنه)، اعتراضات زنان، تفکیک جنسیتی در زنجان و یا در ورزشگاه ها در زمان برگزاری مسابقات، و... را تهدیدی جدی برای خود قلمداد می کند. این رژیم خودش به روشنی به جنبش های اجتماعی، کارگران، زنان، دانشجویان و بقیه یادآوری میکند که حتی مبارزه برای خواسته های صنفی نیز به سیاست گره می خورد. خوب این مسئله به وضوح نشان میدهد که در جامعه ما هیچ حرکت مبارزاتی نمی تواند خود را از سیاست به دور نگاه دارد و هیچ حرکت مبارزاتی نمی تواند در قبال مبارزات افشار دیگر بی تفاوت بماند. همانگونه که رشد جنبش اعتراضی اجتماعی مبارزات عمومی مردم، جنبش های دیگر را علیه رژیم تقویت میکند، به نظر من وارد کردن ضربه به رژیم در سطح کلی، فضای مساعدتری را برای رشد جنبش کارگری و تشکل یابی صنفی آنان باز میکند.

و بعنوان نتیجه گیری

می توان با اطمینان گفت جنبش کارگری نمی شود از **سیاست** به دور باشد و نخواهد بود. مهمترین سیاستی که کارگران پیشرو و مبارز باید در درون جنبش کارگری به تبلیغ آن بپردازند این است، امروزه جامعه ما، روشن و واضح، یک جامعه دو قطبی است. در یک سو نظام ارتجاعی سرمایه داری (دولتی، خصوصی)، و نهادهای گوناگون آن قرار دارند و در سوی دیگر اکثریت مردم که در ضدیت با این **نظام** هستند. تنها با مخدوش نکردن این جبهه بندی است که کارگران پیشرو و مبارز میتوانند **سیاست مستقل و صف مستقل** خود را سازمان دهند. امروزه افراد وابسته به نیروهای ملی - مذهبی، توده ایها، اکثریتی ها، سرمایه داری جهانی و... در میان کارگران تبلیغ میکنند که دفاع از "جنبش سبز" به "نفع" کارگران است. چنین سیاستی تنها به نفع رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است و کاملاً درمقابل ایجاد صف مستقل کارگران قرار دارد. کارگران مبارز باید به شدت با این سیاست مقابله کنند. جنبش کارگری باید استقلال خود را از همه جناحهای حکومتی حفظ کند. تشویق کارگران به حمایت از یک جناح حکومت علیه یک جناح دیگر خودش سیاست طبقات ارتجاعی وابسته به حاکمیت است که میخواهند نارضایتی مردم را در راهی که خودشان تعبیه کرده اند به جریان اندازند تا به هرز رود.

سئوالی مطرح است که کارگران صنعت چاپ، پیشروترین قشر کارگری ایران است؟ آیا این درست است؟

جالبه نه؟! کارگر چاپخانه هستیم یعنی در روز هزاران ایده و تفکر از جلومان می گذرد هزاران نفر راجع به موضوعات مختلف ایده و افکارشون را به نمایش می گذارند و به نظر می رسه که کارگران چاپخانه باید هرکدام فیلسوف شده باشند! اما چرا نمی شوند؟ چرا همان کارگر مانده اند؟ مگر نه اینکه ما همیشه با کتاب و نوشته سر و کار داریم و همیشه چشم مان به نوشته و حروف است؟ یعنی شما با آگاهی سر و کار داری، اما چرا کارگران به آگاهی طبقاتی نمی رسند؟

توضیحی بدهیم، این سئوال را کردیم چون یک تفکر مکانیکی راجع به کارگر بودن وجود دارد بالاخص در ارتباط با کارگران صنعتی!

پس برای ارزیابی درست یا غلط بودن این نظریه، می بایست شاخص هایی را در نظر بگیریم.

مثلاً:

میزان تحصیلات، طرح مطالبات صنفی و اجتماعی و تشکل یابی، تاثیرگذاری در فعالیت های اجتماعی، تلاش برای ارتقای دانش فنی، الگو قرار گرفتن برای کارگران سایر رشته ها و حرفه ها، اتحاد و همبستگی، اما درست است که نسل جدیدی از کارگران تحصیلکرده وارد حرفه های صنعت چاپ می شوند. اما می بینیم از نظر آگاهی اجتماعی، فرقی بین کارگران چاپخانه در مقایسه با کارگران دیگر صنایع نیست، هر چند که امکان دارد در یکی دو مورد در بعضی حرفه ها جلوتر باشند. مثلاً یک دوره ای کارگران صنعت نفت پیشرو تلقی می شدند، زمانی هم کارگران سندیکای واحد، دوره ای کارگران قهرمان نیشکر هفت تپه، زمانی کارگران سندج، در این هفته های گذشته کارگران پتروشیمی ماهشهر، و فردا کارگران.... پس می بینید طرح مطالبات صنفی، سیاسی ربط زیادی به صنعتی بودن ندارد یعنی در واقع کارگران را در بخشهای مختلف تولید، نباید بخش بخش و رشته کاری نگاه کنیم آگاهی مرز نمی شناسد.

اما در مورد کارگران چاپخانه چند نکته می توان ذکر کرد هر چند بعضی مسائل مربوط به عموم کارگران و جامعه است.

- قطع ارتباط مستقیم با نویسندگان و مترجمان، رشد صنایع دیگر (از نظر سرمایه و ماشین آلات، تخصص ها و وسعت فضای کارخانه و تعداد کارگر خیلی از صنعت چاپ جلوتر رفته اند)، ارتباط نداشتن کارگران (بیشتر کارگران چاپخانه ها در کارگاه های کوچک و پراکنده، کار می کنند و ارتباطی با یکدیگر ندارند) و....

کمی در باره کارگران چاپخانه ها، تاریخ و پیشینه ی آنها برای ما صحبت کنید.

تاریخ صد ساله جنبش کارگری ما نشان می دهد که کارگران چاپخانه ها، در مناسبات اجتماعی، پیشرو، آگاه و دارای وجهه اجتماعی بوده اند و این سابقه بر می گردد به دوران انقلاب مشروطه، که کارگران چاپخانه ها پایه گذاران نخستین تشکل کارگری بوده اند و سپس اولین نشریه کارگری را انتشار داده اند و می توان گفت که جزء اولین قشر طبقه اجتماعی بودند که اتحادیه کارگران چاپخانه ها را تاسیس و مطالبات خود را به صورت مستقل پیگیری کرده اند. زمانی که صحبتی از قانون کار، بیمه، ساعات کار و.... وجود نداشت، اینها بنیان گذار مطالبات پیشرو بودند مطالباتی که کماکان در دستور فعالین کارگری است! مانند حداقل دستمزد، تعطیلات رسمی، باز خرید، مرخصی و حقوق، ساعات کار روزانه، شیفت کاری، از کار افتادگی و... مطالباتی که جزء اساسی ترین حقوق کارگران محسوب می شد را با آن شرایط تاریخی طرح کنند. شاید به این علت است که کارگران چاپخانه ها، به پیشرو ترین قشر طبقه کارگر معروف شده اند.

- هنگامی که در جمع بودیم این سئوال رو پیش کشیدیم که وارد اینجا که شدیم بوی خاصی می آمد آیا این بو اذیت نمی کند؟ آیا شغل شما جزء مشاغل سخت و زیان آور است و چه عوارضی دارد؟ چقدر حقوق می گیرید؟ و..... -

کارگران چاپخانه ها از وضعیت شغلی خود گفتند.

د 27 ساله: 5 سال است که مشغول فعالیت در چاپخانه است. وی کار چاپخانه را بسیار سخت عنوان می کند و می گوید که اغلب کارگران چاپخانه با مرکب، کاغذ و صدا سر و کار دارند. به مرور زمان به امراض ریوی، پوستی، اعصاب و پیری زودرس مبتلا می شوند.

ع: با توجه به حقوق کم و قسط بالا قادر به برآوردن هزینه های زندگی و درمانی ام نمی باشم!

ر 34 ساله : مشکل عمده‌ای که در چاپخانه داریم و بخش خطرناک کار محسوب می‌شود، مواد شیمیایی استفاده شده در مرکب‌های چاپ کاغذ است که در دراز مدت به صورت ناراحتی‌هایی جسمی و حتی روحی خود را نشان می‌دهند. ببینید کار ما به عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور در نظر گرفته شده است و در این صورت 10 سال زودتر باید بازنشسته بشیم اما شما آقای را ببینید الان باید بازنشسته شده باشد اما کماکان دو شیفت کار می‌کند.

ع ادامه می‌دهد: چرا اداره کار هیچ رده شغلی‌ای برای کارگر چاپخانه تعریف نکرده است؟ چرا من کارگر چاپخانه چندین سال است که از مصرف روزانه شیر که یکی از ضروریات شغلی‌ام است محروم مانده‌ام و هیچ شیر و حتی یارانه اش به ما پرداخت نشده است؟

کارگر دیگری می‌گوید: نداشتن امنیت شغلی یکی از نگرانی‌های ما است.

ر ادامه می‌دهد: کارگر چاپخانه قبل از شروع به کار و عقد قرارداد، به دلیل استفاده از فرصت شغلی پیش آمده با رضایت خویش شرایط حقوقی پیشنهادی را از سوی کارفرما می‌پذیرد و امید دارد که وارد شغلی فنی شده است، اما به مرور زمان خلاف این موضوع بر او آشکار می‌گردد. و با این مسئله روبرو می‌شود که به او می‌گویند فنی نیستید! اگر ما فنی نیستیم پس چه کسی مراحل چاپ در چاپخانه‌ها را به انجام می‌رساند؟! چرا در عمل، تمام توقعات انجام امور مربوط به یک کارگر فنی از ما می‌رود، اما از حقوق کارگر فنی خبری نیست و در صورت اعتراض نیز اخراج می‌شویم.

د: دستمزدهای کارگران چاپخانه نیز همانند حداقل دستمزدهای وزارت کار و امور اجتماعی محاسبه می‌شود مثلاً حقوق کارگر ماهر با اضافه کاری 500 هزار تومان است.

در پایان

مرسی از اینکه در این زمان نسبتاً کوتاه توانستیم گپی با شما بزنیم باتوجه به اینکه این مصاحبه در میان کارگران پخش می‌شود چه پیامی برای آنان دارید؟

ما هم از شما تشکر می‌کنیم نمی‌دونیم آگه کارتون به چاپخانه بر نمی‌خورد چه اتفاقی می‌افتاد اما به هر حال خوشحالیم که با شما آشنا شدیم و بعد از مدت‌ها توانستیم گپی خوب بزنیم و بقولی دلی از ازا در آوردیم، امیدوارم که باز هم دیگر را ببینیم. در پایان بعنوان لب کلام باید گفت که مرکز اصلی مبارزات ما کارگران، باید مبارزه برای گرفتن قدرت باشد. امیدوارم که این اتفاق بیفتد.

... و حکایت اینان بمانند قهرمان‌های داستان‌های افسانه‌ای است؛ قهرمان‌هایی که به آنها هزار در نشان داده می‌شود و به آنها گفته می‌شود که از این هزار در، 999 در برای توست، ولی این یکی در را مبادا باز کنی که همه آرزوهای انسانی و یک جامعه نوین پشت این در خفته است، پشت این در جانیست که کلمه شورش، انقلاب می‌تواند متولد شود!

آیا میدانید هم اکنون 350 هزار کارگر در چاپخانه‌های سراسر کشور به کار مشغولند؟

آیا میدانید در بیشتر چاپخانه‌ها از افزودنیهای شیمیایی و افزوده‌های نفتی استفاده می‌شود؟

آیا می‌دانید اکثر این چاپخانه‌ها از تهویه قوی و خاص اینکار استفاده نمی‌کنند؟

آیا می‌دانید کارگر چاپخانه به غیر از زحمت بدنی باید از چشم و ذهنش هم مایه بگذارد؟

آیا میدانید چاپ یک کار ذوقی است؛ کارگر باید شوق و علاقه داشته باشد تا از پس کار چاپ بر بیاید؟

آیا آگاهی طبقاتی خود به خود به وجود می‌آید؟

گزارش ارسالی برای

جمعی از فعالین کارگری (جافک)

kargaranfa@gmail.com

jafk1384.blogspot.com

ضمیمه: گپی خصوصی با "مدیر چاپخانه"

در انتها هم گپی با مدیر چاپخانه دور از حضور دیگران انجام دادیم و با بینش این مدیر نیز آشنا شدیم و البته با کمی احتیاط! حرف های او را از زاویه آشنایی بیشتر با گوشه ای از اقتصاد بیمار سرمایه داری در ایران و تضادهای ریز و درشت اش برای شما نقل می کنیم.

آیا اینطور که معروف است تعدیل کارگران چاپخانه ها اجتناب ناپذیر است!؟

تعدیل نیرو اجتناب ناپذیر است؛ حتی بعضی از چاپخانه ها در فکر تعطیلی چاپخانه یا تعدیل آن هستند و قصد فروش ماشین آلات را دارند با این کار چاره ای جز تعدیل نیرو مثلا از 18 نفر به 4 یا 5 نفر نیست؛ خرج و دخل با هم نمی خواند. در صد ارزش افزوده نیز معضل دیگری است به نظر می رسد دیواری کوتاه تر از صنعت چاپ پیدا نشده است.

و شما هم دیواری کوتاه تر از کارگران پیدا نمی کنید؟

ببینید چاره ای نیست، اول از همه صنعت چاپ را وارد 4 درصد ارزش افزوده کرده اند. مالیات نیز مزید بر این مشکلات مالی است. کار هم کم شده است، کار همین چاپخانه فروش دفاتر مالی بود که اداره ثبت دیگر خودش دفتر می فروشد و دفاتر متفرقه را نمی پذیرد، اول کامپیوتر به این صنعت لطمه زد و بعد خود اداره ثبت؛ این است که با معضلات بسیاری روبرو هستیم و در آمد شاید یک سوم گذشته هم نیست

پس شما دلایل تعدیل را چگونه تعریف می کنید؟

: کار کم شده است چاپخانه ها ماشین آلات آورده اند؛ سطح ورق هایشان را بالا بردند به همین خاطر به بانکها بدهی دارند و زیر تعرفه کار چاپ می کنند. این امر نیز معضلی شده است و رقابت بسیار شدیدی را ایجاد کرده است، سفارش دهنده ها هم از این موضوع استفاده کرده اند چک های طولانی مدت می دهند؛ گاهی سر رسید این چک ها به 8 ماه می رسد. چاپخانه دار کاغذ را نقد می خرد و مجبور است چاپ کند. این در صورتی است که 70 درصد کار چاپی کاغذ یا مقواست و 30 درصد آن دست مزد؛ چک چند ماهه جوابگوی هزینه های وحشتناک مخصوصا بیمه، دارایی و مالیات های تکلیفی و درصد ارزش افزوده و در کل تولید ما نیست.

آیا یارانه کاغذ دریافت می کنید؟

نه یارانه کاغذ، بلکه هیچ یارانه ای به ما تعلق نمی گیرد و تمام مواد مصرفی را به قیمت بازار آزاد خریداری می کنیم.

طرح هدفمند کردن یارانه ها چه تأثیری بر چاپ و نشر گذاشته است؟

پس از اجرایی شدن طرح هدفمندی یارانه ها، قیمت تمام مواد مصرفی و قطعات یدکی سه و حتی چهار برابر شده است. قیمت کاغذ از سال 83 تا 87، 12 هزار تومان بود که بعد از هدفمندی یارانه قیمت آن 25 هزار تومان شد و الان 36 هزار تومان خریداری می کنیم. حلقه ی فیلم شصت متری که خرید آن 120 هزار تومان بود الان 300 هزار تومان خریداری می شود. داروی ظهور فیلم از لیتری 500 تومان به 2000 تومان افزایش قیمت داشته است.

اما شما اتحادیه دارید و از مزایای اتحادیه استفاده می کنید؟

این امتیازات به هیچ عنوان جوابگوی نیاز چاپخانه داران نیست؛ وام 10 میلیونی چه دردی را دوا می کند. با این مبلغ تنها می شود 285 بند کاغذ 70 گرمی تهیه کرد که جوابگوی یک یا دو روز کاغذ چاپخانه ها است، بعد از دریافت وام باید اقساط آن را بپردازد بیشتر چاپخانه ها مجبورند زیر قیمت کار انجام دهند و در برابر آن چک مدت دار دریافت نمایند. همه چاپخانه ها بلا استثنا ورشکسته هستند به جزء چاپخانه ای که پشتشان پر است.

منظورتان از ورشکستگی چیست و کی ها پشتشان پر است؟

منظور اینست که چاپخانه ها با ظرفیت بسیار کمتر از سودآوری خود به فعالیت ادامه می دهند و یا در بیشتر ایام ماه کار سفارشی در دست ندارند. و در آن مورد خودتان بهتر میدانید!

آنطور که ما خبر دار شدیم کارگران شما چندین ماه است که بیمه و حقوق دریافت نکرده اند درست است؟

: بله درست است ما با اینکه یکی از پیشرفته ترین سیستم های چاپ خاورمیانه را داریم و با این حساب باید همیشه کارهای چاپی در دست داشته باشیم اما متاسفانه در اغلب اوقات کاری برای انجام دادن در دست نداریم و با این حال مجبور به پرداخت حقوق کارگران خود هستیم. حق بیمه کارگران چاپخانه ها هم بسیار زیاد است و بسیاری از چاپخانه داران با وجود اینکه کارگران خود را از دست می دهند تا مدت ها باید حق بیمه آنها را بپردازند و سازمان تامین اجتماعی به هیچ وجه به این موضوع توجهی نمی کند.

با این حساب شما تامین اجتماعی را مقصر میدانید؟

خیر:

در پایان شما چه راه حلی پیشنهاد میکنید؟

با وجود بیکاری حاکم بر جامعه، سختیها و مشکلات این شغل و موانع موجود به قدری زیاد است که قصد داریم چاپخانه را تعطیل کنیم و با استفاده از سود سپردههای موجود در بانکها زندگی ساده و بدون دغدغهای را ادامه بدهیم و در حال حاضر از تمامی تلاشها و فعالیتهایمان در این حوزه پشیمان هستیم.